

فهرست

۹



۱. ادبیات تعلیمی

۲۷



۲. ادبیات سفر و زندگی

۴۱



۳. ادبیات غنایی

۵۵



۴. ادبیات پایداری

۷۱



آزمون نوبت اول

۷۷



۵. ادبیات انقلاب اسلامی

۹۳



۶. ادبیات حماسی

۱۱۳



۷. ادبیات داستانی

۱۳۱



۸. ادبیات جهان

۱۴۵



آزمون نوبت دوم



فصل یکم

ادبیات تعلیمی



بهره‌گیری از داستان یا حکایت در قالب شعر و نثر برای بیان کردن موضوع و مفهومی رفتاری، اخلاقی یا مسئله‌ای اجتماعی و پندآموز به شیوه اندرز

درس اول

نیکی: نکوهش سستی و تنبلی، تلاش برای به دست آوردن روزی خود
گنج حکمت «همت»: برتری همت و غیرت بر قدرت و توان جسمی

درس دوم

قاضی بُست: قناعت به داشته‌های خود و توجه به حلال و حرام
شعرخوانی «زاغ و کبک»: نکوهش تقلید کورکورانه

و آنچه در این فصل خواهید آموخت:

◀ قلمرو زبانی

دریافت معانی واژه (قرار گرفتن در جمله، رابطه‌های معنایی)
فعل معلوم و مجهول



بوستان یا سعدی نامه، نخستین اثر شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی است. در این اثر که در قالب **مشوی** سروده شده است، شاعر با آوردن حکایاتی خواندنی، به مفاهیم عمیق اخلاقی و تربیتی اشاره می‌کند. در این درس حکایت درویشی را می‌خوانیم که با دیدن روباهی شل و ناتوان، از کار خدا شگفت‌زده می‌ماند و این سؤال ذهنش را مشغول می‌کند که روباه چگونه روزی خود را به دست می‌آورد؟ او می‌بیند که روباه با خوردن پس‌مانده شکار حیواناتی قدرتمند همچون شیر، زندگی می‌کند؛ پس با یقین به روزی رسائی خدا، در انتظار امدادهای غیبی، روزها گرسنه می‌ماند تا این که از محراب مسجدی، این سخن را می‌شنود که چرا همچون شیر، برای زندگی‌ات تلاش نمی‌کنی؟ ... شاعر با آوردن این حکایت، که لحن آن روایی است، انسان‌ها را به سعی و تلاش برای کسب روزی و نیز دست‌گیری ناتوانان و نیکی به مردم، فرا می‌خواند.

مفهوم کلی: آنکا به تلاش خود، نیکی کردن به دیگران موجب سعادت در هر دو جهان است.

واژه‌های کاری درس

شغال: جانور پستانداری است از تیره سگان که جزو رسته

گوشت‌خواران است.

صنع: آفرینش، خلقت، صنعت

غیب: پنهان، نهان از چشم

فروماندن: متحیر شدن

قوت: غذا، رزق روزانه، خوراک

محراب: بخشی از عبادتگاه، جای ایستادن پیش‌نماز، بالای خانه

نگون بخت: بخت برگشته، بدبخت

هوش: مرگ، جان، شعور، خواب

وامانده: پس‌مانده

پیلان: فیل‌ها

پیلان: فیل‌ها

تیمار خوردن: اندوه و غم خوردن، خود را برای کسی در رنج و

غم انداختن

جیب: یقه، گریبان

چنگ: نوعی ساز که سر آن خمیده است و تارها دارد.

دون همت: کوتاه همت، دارای طبع پست و کوتاه اندیشه

دغل: مکر و ناراستی، در این جا مکار و تنبل

زَنخدان: چانه

سرای: خانه

شوریده‌رنگ: آشفته‌حال

شل: دست و پای از کار افتاده

واژه‌های گنج حکمت «همت»

حمیت: غیرت، جوانمردی، مردانگی

همت: عزم و اراده

کمربستن: آماده شدن، مصمم شدن

نکته‌های کاری درس

- «دیگر»: صفت پسین است و بعد از هسته قرار می‌گیرد ← جهان دیگر
- در گذشته گاهی به عنوان صفت پیشین، قبل از هسته قرار می‌گرفته است ← دیگر بار
- «شدن»: امروزه غالباً «اسنادی» است ← هوا سرد شد.
- در گذشته گاهی به عنوان «فعل غیراسنادی» به کار می‌رفته است. به معنی «رفتن، گذشتن، مردن» ← او به سرای باقی شد.
- معنی برخی از واژه‌های به دلیل کاربرد و معانی چندگانه، یا در جمله قابل دریافت است و یا از طریق «رابطه‌های معنایی» مانند واژه «سیر» در مثال‌های زیر:

الف ظالمان هنوز از ریختن خون مردم، سیر نشده‌اند. (قرار گرفتن در جمله)

ب سیر از گرسنه خیر ندارد. (تضاد بین سیر و گرسنه)

• رابطه‌های معنایی

ترادف	هم‌معنی بودن	ماه و قمر
تضاد	مخالف و متضاد بودن	محبوب و منفور
تناسب	نسبت و رابطه داشتن	قلم و نوشتن
تضمن	یک واژه کلی‌تر است.	توب و ورزش

تمرین‌های کاری درس

قلمرو زبانی

۱ عبارتهای زیر را با واژه مناسب کامل کنید.

- ۱ در بیت «یقین، مرد را دیده، بیننده کرد / شد و تکیه بر آفریننده کرد» فعل «شد» در معنی _____ به کار رفته است.
 ۲ در مصراع «شغال نگوین بخت را شیر خورد» واژه _____ نقش دستوری نهاد دارد.
 ۳ معادل معنایی واژه‌های «صنع» و «گرم» به ترتیب _____ و _____ است.
 ۴ در بیت «در این بود درویش شوریده‌رنگ / که شیری برآمد شغالی به چنگ» واژه‌های _____ و _____ به ترتیب صفت و قید محسوب می‌شود.

۲ درستی و نادرستی عبارتهای زیر را معلوم کنید.

- ۱ در مصراع «چو چنگش رگ و استخوان ماند و پوست» واژه چنگ در معنی «دست» به کار رفته است.
 ۲ در مصراع «چو سبرش نمائد از ضعیفی و هوش» واژه هوش در این‌جا معادل معنایی «هوشیاری و زیرکی» و معطوف به ضعیفی است.
 ۳ صفت مبهم «دیگر» همیشه در متون فارسی به صورت وابسته پسین به کار رفته است.
 ۴ در مصراع «که چون زندگانی به سر می‌برد؟» واژه «چون» قید پرسشی است.
 ۵ واژه‌های «بیگن، دغل، دون‌همت و نگوین بخت» به ترتیب با واژه‌های «بینداز، درست‌کار، بلندهمت و بداقبال» در تضاد معنایی هستند.

۳ گزینه درست را انتخاب کنید.

- ۱ در کدام گزینه دو غلط املائی وجود دارد؟
 الف دقل، صنع، غم‌خوار، زرخدان
 ب شقال، قوت، مهرباب، روزی‌رسان
- ۲ معادل معنایی واژه‌های «شوریده‌رنگ و جیب» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟
 الف رنگ‌زرد، گریبان
 ب رنگ‌پریده، یقه
- ۳ ساختمان واژه‌های «استخوان، آسایش، دون‌همت، درنده و شوریده‌رنگ» به ترتیب در کدام گزینه دیده می‌شود؟
 الف ساده، وندی، مرکب، وندی - وندی - مرکب
 ب وندی، ساده، مرکب، ساده، وندی - مرکب
- ۴ در کدام بیت هر دو رابطه معنایی «تضاد و تناسب» بین واژگان دیده می‌شود؟
 الف که چون زندگانی به‌سر می‌برد؟ بدین دست‌وپای از کجا می‌خورد؟
 ب نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست چو چنگش رگ و استخوان ماند و پوست
- ۵ توضیحات زبانی مربوط به کدام مصراع درست نیست؟
 الف فروماند در «لطف و صنع» خدای: «لطف و صنع» رابطه معنایی تناسب دارند، ساختمان فعل «فروماند» پیشوندی است.
 ب نه خود را بیفگن که دستم بگیر: «دستم» در نقش دستوری مسند است، این مصراع از دو جمله ساده تشکیل شده است.

۴ با توجه به واژه‌ها و ترکیب‌های جدول زیر، پاسخ سؤالات را بنویسید.

روبهی بی‌دست و پای	صنع	زرخدان	شوریده‌رنگ	شیردرنده	مهرباب	روزی‌رسان
شغال نگوین بخت	قوت	تیمار	بخشنده	دگر روز	وامانده	روزی
هر دو برای	چنگ	دغل	بخشایش	غیب	زندگانی	درویش پیر

۱ چند «ترکیب وصفی» در جدول وجود دارد؟

۲ هم‌خانواده واژه‌های «محاریب، صانع، غایب و بخشوده» را از جدول بیابید و بنویسید.

۳ واژه‌هایی را که ساختمان ساده دارند بیابید و بنویسید.

۴ کدام واژه مخفف شده است؟

۵ کدام واژه‌ها معادل معنایی «غذا» به کار رفته‌اند؟

۶ کدام واژه دارای دو معنی است؟

۷ واژه‌های وندی، مرکب و وندی - مرکب را از جدول بیابید و بنویسید.

۸ متضاد واژه «درست‌کار» کدام واژه است؟

۹ کدام واژه مترادف «غمخواری و پرستاری» است؟

۱۰ کدام واژه از مصدر «بخشیدن» ساخته شده است؟

۱۱ در کدام «ترکیب وصفی» دو صفت وجود دارد؟

۱۲ در کدام ترکیب وصفی امروزه جای هسته و وابسته تغییر کرده است؟

۵ از میان واژه‌ها و ترکیب‌های زیر، کاربردهای معنایی واژه هر نمودار را بیابید و نمودارها را کامل کنید.

همکاری - دمای سرد - مژه غذا - حیوان درنده - بی‌احساس - اعضای بدن - قسمتی از صندلی - مایع سفید و شیرین - سرعت - سی روز - اساس - چهره زیبا

همکاری	شیر	پایه	سرد	ماه	تند
دست					

۶ با توجه به واژه‌های ستون «الف»، از طریق کدام رابطه معنایی، به معنی واژه «سیر» پی می‌بریم؟ (متصل کنید).

الف	ب
۱ گرسنه <input type="radio"/>	تضمن <input type="radio"/>
۲ گیاه <input type="radio"/>	ترادف <input type="radio"/>
۳ بیزار <input type="radio"/>	تناسب <input type="radio"/>
۴ پیاز <input type="radio"/>	تضاد <input type="radio"/>

۷ معنای واژه «شد» در هر یک از ابیات زیر چیست؟

۱ گریه شام و سحر، شکر که ضایع نگشت	قطره باران ما، گوهر یک دانه شد
۲ منزل حافظ کنون بارگه پادشاست	دل بر دلدار رقت جان بر جانانه شد
۳ شد آن که اهل نظر بر کناره می‌رفتند	هزارگونه سخن در دهان و لب خاموش

۸ با توجه به ابیات، نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را در جدول زیر تعیین کنید.

۱ دگر روز باز اتفاق افتاد	که روزی رسان قوت روزش بداد
۲ زخندان فرو برد چندی به جیب	که بخشنده روزی فرستد ز غیب

مفعول	متمم	نهاد	قید

نوع	گزینه
را حرف اضافه ←	۱ یقین، مرد را دیده، بیننده کرد
را فک اضافه ←	۲ شغال نگون بخت را شیر خورد
را مفعولی ←	۳ خرد را گر نبخشد روشنایی

۹ «را» در هر یک از مصراع‌های زیر از چه نوعی است. توضیح دهید.

- ۱ چو صبرش نمائد از ضعیفی و هوش ز دیوار محرابش آمد به گوش
- ۲ نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست چو چنگش، رگ و استخوان ماند و پوست
- ۳ دگر روز باز اتفاق افتاد که روزی رسلان قوت روزش بداد

قلمرو ادبی

۱ مفاهیم کنایی به کار رفته در هر یک از مصراع‌های ستون «الف» را از ستون «ب» بیابید. (در ستون «ب» یک مفهوم اضافی است.)

الف	ب
۱ زرخدان فرو برد چندی به جیب <input type="radio"/>	۱ یاری و کمک <input type="radio"/>
۲ بگیر ای جوان دست درویش پیر <input type="radio"/>	۲ لاغری <input type="radio"/>
۳ چو چنگش رگ و استخوان ماند و پوست <input type="radio"/>	۳ تلاش نکردن و بیکاری <input type="radio"/>
	۴ تفکر و تأمل <input type="radio"/>

۲ ارکان تشبیه را در مصراع دوم ابیات زیر معلوم کنید.

الف برو شیر درتده باش ای دغل مینداز خود را چو روباه شل

۱ مشبه: _____ مشبه‌به: _____ وجه‌شبه: _____ ادات تشبیه: _____

ب چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر چه باشی چو روبه به وامانده سیر؟

۲ مشبه: _____ مشبه‌به: _____ وجه‌شبه: _____ ادات تشبیه: _____

۳ آرایه‌های مقابل کدام بیت درست است؟

- ۱ نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست چو چنگش رگ و استخوان ماند و پوست (جناس- تضاد- ایهام تناسب- کنایه)
- ۲ برو شیر درتده باش ای دغل مینداز خود را چو روباه شل (تشبیه- استعاره- تضاد- مراعات نظیر)
- ۳ کزین پس به کنجی نشینم چو مور که روزی نخوردند پیلان به زور (تشبیه- جناس- مراعات نظیر- ایهام)

۴ کاربرد آرایه‌های زیر را در بیت «بخور تا توانی به بازوی خویش / که سعيات بود در ترازوی خویش» نشان دهید.

مجاز	←
کنایه	←
استعاره	←
تلمیح	←



۵ آرایه‌های «تمثیل، مجاز، واج‌آرایی و جناس» به ترتیب در کدام بیت‌ها آمده است؟ (هر آرایه را روبه‌روی بیت بنویسید.)

- | | |
|----------------------------------|----------------------------------|
| ۱ کرم ورزد آن سر که مغزی در اوست | که دون‌همتانند بی‌مغز و پوست |
| ۲ در این بود درویش شوریده‌رنگ | که شیری برآمد شغالی به چنگ |
| ۳ خدا را بر آن بنده بخشایش است | که خلق از وجودش در آسایش است |
| ۴ شغال نگون‌بخت را شیر خورد | بماند آنچه، روباه از آن سیر خورد |

۶ شماره تلمیح‌های زیر را روبه‌روی بیت مرتبط بنویسید.

۱ إن الله هو الرزاق ذو القوة المتین

۲ فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ

۳ لَيْسَ لِلإِنسَانِ أَلَّا مَا سَعَى

۴ المسلم من سلم المسلمون من لسانه و یده

- | | |
|--|------------------------------|
| <input type="radio"/> کسی نیک بیند به هر دو سرای | که نیکی رساند به خلق خدای |
| <input type="radio"/> بخور تا توانی به بازوی خویش | که سعیات بود در ترازوی خویش |
| <input type="radio"/> زنخدان فرو برد چندی به جیب | که بخشنده روزی فرستد ز غیب |
| <input type="radio"/> خدا را بر آن بنده بخشایش است | که خلق از وجودش در آسایش است |

قلمرو فکری

۱ معنی و مفهوم ابیات زیر را به نثر ساده و روان بنویسید.

۱ شغال نگون‌بخت را شیر خورد بماند آنچه، روباه از آن سیر خورد

۲ کزین پس به کنجی نشینم چو مور که روزی نخوردند پیلان به زور

۳ یقین مرد را دیده بیننده کرد شد و تکیه بر آفریننده کرد

۴ بگیر ای جوان دست درویش پیر نه خود را بیفکن که دستم بگیر

۲ بیت مرتبط با هر یک از مفاهیم زیر را بیابید و مفهوم را مقابل آن بنویسید.

توصیه به تلاش و یاری دیگران - بهره‌مندی از دست‌رنج خود - نکوهش فریب و ریاکاری - توصیه به بی‌آزاری - نکوهش تنبلی و تن‌پروری

۱ پرو شیر دژنده باش ای دغل

۲ چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر

۳ بخور تا توانی به بازوی خویش

۴ خدا را بر آن بنده بخشایش است

مینداز خود را چو روباه شل

چه باشی چو روبه به وامانده سیر

که سعیات بود در ترازوی خویش

که خلق از وجودش در آسایش است

۲ برای هر یک از بیت‌های زیر دو مفهوم بنویسید.



۴ با توجه به بیت‌های زیر به سؤال‌ها پاسخ دهید.

یکی روبه‌پی دید بی‌دست و پای فرو ماند در لطف و صنع خدای
 که چون زندگانی به سر می‌برد بدین دست و پای از کجا می‌خورد؟
 در این بود درویش شوریده‌رنگ که شیری برآمد، شغالی به چنگ

- ۱ منظور از واژه «می‌خورد» در بیت دوم چیست؟
- ۲ شاعر چه ویژگی‌ای برای روباه آورده است؟
- ۳ چرا درویش، شوریده‌رنگ است؟
- ۴ مرجع ضمیر «این» در بیت آخر، به مفهوم کدام بیت مربوط است؟
- ۵ درویش، شیر را در چه حالی دید؟

۵ ارتباط معنایی مصراع «که سعيات بود در ترازوی خویش» با آیه «أَنْ لَيْسَ لِلانسانِ الا ما سَعَى» را بنویسید.

۶ مفهوم بیت «هر که نان از عمل خویش خورد / منت حاتم طایی نبرد»، با کدام بیت تناسب بیشتری دارد؟

- ۱ بخور تا توانی به بازوی خویش که سعيات بود در ترازوی خویش
- ۲ چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر چه باشی چو روبه به وامانده سیر

۷ با توجه به بیت «کرم ورزد آن سر که مغزی در اوست / که دون همتانند بی‌مغز و پوست» به سؤالات پاسخ دهید.

- ۱ چه کسانی اهل کرم و بخشش هستند؟
- ۲ منظور از بی‌مغز و پوست چیست؟
- ۳ شاعر در این بیت، چه افرادی را با هم مقایسه می‌کند؟

۸ در عبارت «مور چون این بشنید، بخندید و گفت: مردان بار را به نیروی همت و بازوی حمیت کشند نه به قوت تن.»

تأکید و سفارش نویسنده به داشتن کدام فضیلت اخلاقی است؟



۹ از میان بیت‌های زیر، جفت بیت‌هایی را که مفهوم مشترک دارند پیدا کنید و مفهوم آن‌ها را بنویسید.

- | | | |
|---|------------------------------------|-----------------------------------|
| ۱ | به راه بادیه رفتن به از نشستن باطل | که گر مراد نیایم به قدر وسع بکوشم |
| ۲ | من از بازوی خود دارم بسی شکر | که زور مردم‌آزاری ندارم |
| ۳ | تو نیکی می‌کن و در دجله انداز | که ایزد در بیابانت دهد باز |
| ۴ | خدا را بر آن بنده بخشایش است | که خلق از وجودش در آسایش است |
| ۵ | کسی نیک بیند به هر دو سرای | که نیکی رساند به خلق خدای |
| ۶ | چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر | چه باشی چو روبه به وامانده سیر |

بیت‌های _____ و _____ ، مفهوم مشترک:

بیت‌های _____ و _____ ، مفهوم مشترک:

بیت‌های _____ و _____ ، مفهوم مشترک:

Handwriting practice area with multiple horizontal lines.





تاریخ بیهقی یا تاریخ مسعودی نام کتابی نوشته ابوالفضل بیهقی در قرن پنجم است. این کتاب از نمونه‌های ارزشمند نثر فارسی است که به تاریخ حکومت سلطان مسعود غزنوی پرداخته است. در این درس، بیهقی به اتفاقی اشاره می‌کند که در سفر با کشتی، برای سلطان مسعود رخ می‌دهد و جشن و شادی آن‌ها تیره و تار می‌شود. در پی آن، سلطان مسعود که از مرگ نجات می‌یابد، پس از بازیافتن سلامتی، صدقاتی از پول و طلا برای مردم می‌فرستد، از جمله قاضی بست و پسرش که بسیار درمانده بودند. اما آن‌ها به دلیل تردید در حلال بودن طلاها و ترس از حساب و کتاب قیامت، آن صدقه را نمی‌پذیرند و قناعت به مال اندک را ترجیح می‌دهند. بیهقی با آوردن این حکایت تاریخی، عزت نفس، پاکدامنی و درست‌کاری را ارج می‌نهد. نثر این کتاب علاوه بر ارزش تاریخی، از نمونه‌های عالی نثر تعلیمی در تاریخ ادبیات فارسی، محسوب می‌شود و لحن آن نیز روایی است.

واژه‌های کاری درس

خداوند ولایت: صاحب همه ولایات و حکومت اسلامی	از آن جهان آمده: از مرگ نجات یافته
خیرخیر: سریع، تندتند	اطبّا: جمع طبیب، پزشکان
خیلتاش: گروه چاکران و نوکران	اعیان: بزرگان
در عهده آن نشوم: مسئولیت آن را نمی‌پذیرم.	افگار: زخمی، مجروح، خسته
در بایست: نیاز، ضرورت	اندک مایه: کم، سرمایه کم
دُرست: سالم، تندرست	ایزد: خدا، آفریدگار
دوات: مرکب‌دان، ظرفی که در آن مرکب ریزند.	آغاجی خادم: اسم خاص، نام خادم و پرده‌دار خاص شاه
دوال: پوست و جرم: یک دوال: یک لایه، یک پاره	بارنتواست داد: نمی‌توانست اجازه ملاقات بدهد.
رعیت: عامه مردم	باز دادم: پس دادم
رقعت: رقع، نامه کوتاه	باز نمود: شرح داد
زایل: نابود، برطرف	بازان: پرنده‌های شکاری
زبیر: روی	برنشست: سوار شد
زرپاره: قراضه و خردۀ زر، زر سکه‌شده	بزرگا که شما دو تنید: شما دو نفر چه قدر بزرگ هستید.
سبحان الله: پاک و منزّه است خدا (برای بیان شگفتی به کار می‌رود؛ معادل «شگفتا»)	بشارت: خبر خوش
سبتدن: ستاندن، دریافت کردن	بگداخته: ذوب کرده، داغ کرده
سرسام: سردرد، ورم مغز، سرگیجه و پریشانی، هذیان	بگردانید: عوض کرد
سنت: شیوه، روش	بی شبهت: بی شک و تردید
سور: جشن و شادی	تاس: کاسه، لگن، نش
شگیر: سحرگاه، صبح زود	تشویش: نگرانی
شرع: سایه‌بان، خیمه (درباره کشتی: بادبان)	توزی: پارچه نازک کتانی منسوب به شهر توز
شمار آن به قیامت مرا باید داد: حساب و کتاب آن را در قیامت من باید پس بدهم.	توقیع: امضا کردن فرمان، مهر کردن نامه و فرمان
صعب: سخت و دشوار، خطرناک	جامه‌ها: گسترده‌ها، فرش‌ها
صلت: هدیه	چاشتگاه: هنگام چاشت، نزدیک ظهر
ضیعت: زمین زراعتی، ضیق‌تک: زمین زراعتی کوچک	حساب این نتوانم داد: نمی‌توانم پاس‌خگوی آن باشم.
عارضه: بیماری، اتفاق، حادثه	جریمه‌اش را بپردازم.
	حشم: چاکران، غلامان، خدمتکاران
	حطام: مال دنیا، ریزه و خردۀ هر چیز

عَزَّوَجَلَّ*؛ عزیز است و بزرگ و ارجمند

عقد*؛ گردن‌بند

عَلَّتْ: بیماری، ناخوشی

علی ایّ حال: به هر حال

عهده: مسئولیت

غریبو: فریاد

غزو*؛ جنگ کردن با کفار

فارغ شدن*؛ آسوده شدن از کار

فخر: مایه افتخار

فراخ‌تر*؛ آسوده‌تر، راحت‌تر

فرود سرای*؛ اندرونی، اتاقی در خانه که پشت اتاقی دیگر واقع شده

باشد، مخصوص زن و فرزند و خدمتگزاران

قضا*؛ اتفاق، سرنوشت

قلم در نهاد: شروع به نوشتن کرد.

کافور: ماده خوشبوی سفید رنگ

کافی*؛ باکفایت، لایق، دانای کار

کتان: پارچه سفید، گیاهی که الیاف آن در نساجی به کار می‌رود.

کران*؛ کنار، ساحل، حاشیه

کرانه: ساحل، کناره

کراهیت*؛ زشتی، ناخوشایندی، ناپسندی

کفایت: کافی

کوشک: قصر، کاخ

گسیل کردن*؛ فرستادن، روانه کردن

لختی*؛ کمی، اندکی

واژه‌های شعرخوانی «زاغ و کبک»

خامی: نپختگی، بی‌تجربگی

خطوات*؛ گامها، قدمها، جمع خطوه

راغ*؛ صحرا، بیابان، دامنه کوه

رقم کشیدن: نوشتن

روضه*؛ باغ، گلزار

رهروی: پیرو راه بودن، راه رفتن

شاهد: معشوق، زیبارو

عرصه: محل وسیع، میدان

عرضه‌ده: نشان‌دهنده

لله درگما: خدا خیرتان بدهد

مبشّران*؛ بشارت دهندگان، پیام رسانان، نوید دهندگان

مثال داد: دستور داد، فرمان داد.

محبوب*؛ پنهان، مستور

مخنقه*؛ گردن‌بند

مرا به کار نیست: به کار من نمی‌آید، برایم مفید نیست.

مطربان*؛ نوازندگان و خوانندگان

مقرون: همراه، پیوسته

مهمات*؛ کارهای مهم و خطر

مؤکد*؛ تأکیدشده، استوار

می بخواند: صدا می‌کند، فرامی‌خواند

می‌روا دارد: شایسته می‌داند، جایز می‌داند

ناو*؛ کشتی کوچک، از درخت میان تهی سازند.

ندیمان*؛ هم‌نشینان، همدمان

نکت: جمع نکته، مطالب مهم و برگزیده

نماز پیشین*؛ نماز ظهر

نمودن قدرت: نشان دادن قدرت

وبال*؛ عذاب، سختی، گناه

وزر*؛ گناه و سنگینی

هردستی: هر گروهی، هر طبقه‌ای

هزاهز: سر و صدا، فریاد و فتنه، آشوب

همایون*؛ فرخنده

هنرآن بود: بخت یار بود، خوشبختانه

یوزان*؛ یوزپلنگ‌ها

غرامت زده*؛ زیان دیده، تاوان زده، کسی که غرامت کشد

فام*؛ رنگ؛ فیروزه‌فام: به رنگ فیروزه، فیروزه رنگ

فراغ: آسودگی، آسایش

قاعده: روش، قانون

القصه: خلاصه

متقارب*؛ نزدیک‌شونده، همگرا

مرغزار*؛ سبزه‌زار، چراگاه، علفزار

نادره: کمیاب، بی‌نظیر

نکته‌های کاری درس

■ کاربرد معنایی واژه محبوب در متون فارسی متفاوت است. در بعضی جمله‌ها به معنای پنهان و در بعضی دیگر، به معنای باحیا به کار می‌رود.

مانند: ۱- محبوب گشت از مردمان (پنهان)

۲- مردی محبوب بود و دیده و دل از گناه به دور (باحیا)

■ شیوه مجهول کردن افعال:

- ۱ فعلی مجهول می‌شود که مفعول‌پذیر باشد. (ما کتاب‌های زیادی را خوانده‌ایم)
- ۲ ابتدا نهاد را حذف و مفعول را بدون نشانه «را» در جای آن، قرار می‌دهیم. (کتاب‌های زیادی خوانده‌ایم)
- ۳ براساس زمان و مصدر فعل جمله معلوم، صفت مفعولی و از مصدر «شدن»، زمان مورد نظر را می‌سازیم. (خوانده شده...)
- ۴ شناسه فعلی را که از «شدن» ساخته‌ایم با نهاد جدید (مفعول قبلی) مطابقت می‌دهیم. (کتاب‌های زیادی خوانده شده است.)
- در متون قدیمی گاهی به جای مصدر «شدن»، در ساخت فعل مجهول از مصدرهای «آمدن» و «گشتن» نیز استفاده می‌شد.

تمرین‌های کاری درس

قلمرو زبانی

۱ عبارتهای زیر را با واژه مناسب کامل کنید.

- ۱ زمان فعل در جمله «ای ابوالفضل امیر تو را می‌بخواند» است.
- ۲ در عبارت «امیر کشتی‌ها بخواست و ناوی ده بیاوردند، یکی بزرگ‌تر، از جهت نشست او» ترکیب وصفی است.
- ۳ در عبارت «بونصر را بگوی که امروز درستم» نقش دستوری «بونصر» است.
- ۴ رابطه معنایی واژه‌های «عقد» و «مختنه» است.

۲ درستی و نادرستی عبارتهای زیر را معلوم کنید.

- ۱ مرجع ضمیر «وی» در عبارت «امیر کشتی‌ها بخواست و ناوی ده بیاوردند، یکی بزرگ‌تر، از جهت نشست او و جامه‌ها افگندند و شرعی بر وی کشیدند»، امیر است.
- ۲ دو واژه «هزاهز» و «غریو» رابطه معنایی مترادف دارند.
- ۳ در جمله «چنان که بار نتوانست داد و محجوب گشت از مردمان» واژه محجوب در معنی باحیا به‌کار رفته است.
- ۴ در عبارت «چون نامه‌ها گسیل کرده شود تو باز آی که پیغمبی است سوی بونصر در بایی، تا داده آید.» دو فعل مجهول به‌کار رفته است.
- ۵ در عبارت «امیر از آن جهان آمده، به خیمه فرود آمد و جامه بگردانید» ترکیب وصفی به‌کار نرفته است.

۳ گزینه درست را انتخاب کنید.

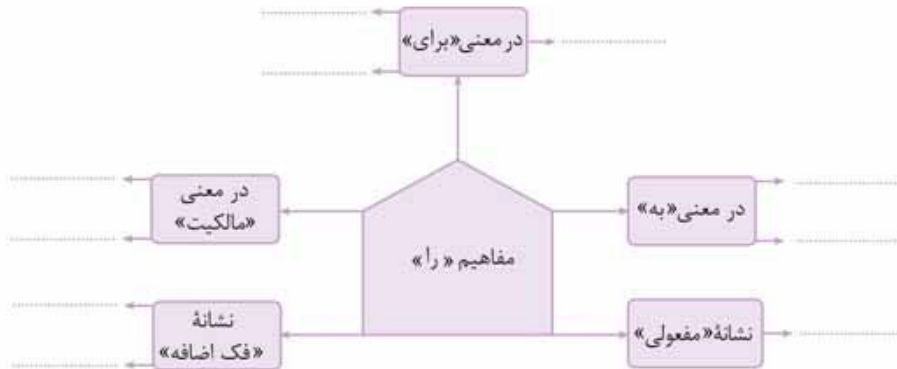
- ۱ در کدام گزینه غلط املائی بیشتری وجود دارد؟
الف رقت، معکد، قزو هندوستان، آغاجی خادم
ب صلت، شبهت، عارضه، هشم
- ۲ ساختمان واژه‌های «بی‌شبهت، حلال‌تر، احوال، اندک‌مایه و اندیشه‌مند» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟
الف وندی، وندی، ساده، مرکب، وندی
ب وندی، ساده، ساده، مرکب، مرکب
- ۳ رابطه معنایی همه جفت‌واژه‌ها در کدام گزینه از نوع تناسب است؟
الف وزر و وبال، آغاجی و خیلانش، مستحقان و درویشان
ب رقت و توقیع، احوال و عادات، حساب و توقف
- ۴ افعال کدام گزینه مجهول نیست؟
الف بار داده آید، نبشته آمد، فرستاده شده است.
ب سرد شد، شروع شده بود، دیده بودمی

۴ برای هر یک از واژه‌های مشخص‌شده، معادل معنایی بنویسید.

- ۱ اندک‌مایه ضعیفی دارند.
- ۲ بونصر نامه‌های رسیده را نکت بیرون آورد.
- ۳ در این دو سه روز بار داده آید.
- ۴ این مرد بزرگ و دبیر کافی به نشاط، قلم در نهاد.

۵ با توجه به مفهوم «را» در متون کهن، هر یک از جمله‌ها را در نمودار مربوط قرار دهید.

- ۱ بونصر نامه‌های رسیده را، نکت بیرون می‌آورد. بونصر را بگوی ۴ در هر سفری ما را از این بیارند.
 ۲ که امروز درستم. تو را امیر می‌بخواند. ۵ چندان صدقه دادند که آن را اندازه نبود. نگویم که مرا سخت درپایست نیست.
 ۳ پذیرفتم و باز دادم که مرا به‌کار نیست. تا خویشان را ضیعتی ۶ از هر دستی مردم در کشتی‌های دیگر بودند و کس را خبر نه.
 ۴ حلال خردند. مثال داد تا هزار هزار درم به مستحقان و درویشان دهند شکر این را. ۷



۶ شکل مجهول و معلوم افعال را در جدول زیر بنویسید.

فعل معلوم	فعل مجهول
شناخته باشد	
خواهد نوشت	برداشته شده بودند
می‌شنوند	
	خوانده می‌شد

قلمرو ادبی

۱ دو مورد از ویژگی‌های نثر بیهقی را در عبارات زیر معلوم کنید.

بونصر را بگوی که زرهاست که پدر ما از غزو هندوستان آورده است و بتان زرین شکسته و بگداخته و پاره کرده و حلال‌تر مال‌هاست.

۲ ابیات زیر را کامل کنید.

- ۱ نادره کبکی به جمال تمام
 ره‌روی کبک نیاموخته
 ۲ باز کشید از روش خویش پای

۳ در هر گزینه کدام واژه‌ها، آرایه مجاز دارند؟ مفهوم آن‌ها را بنویسید.

- ۱ ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری
 ۲ گفت پیغمبر اگر کوی دری عاقبت زان در بیرون آید سری
 ۳ به کران آب فرود آمدند.
 ۴ زری که سلطان محمود به شمشیر بیاورده باشد.

۴ آرایه‌های ادبی را در بیت «زاغی از آن‌جا که فراغی گزید / رخت خود از باغ به راغی کشید» بررسی و تعیین کنید.

۵ آرایه‌های مربوط به هر بیت را به آن متصل کنید.

آرایه‌ها	ابیات
○ جناس - واج‌آرایی	۱ باز کشید از روش خویش پای در پی او کرد به تقلید جای
○ جناس - کنایه - مجاز	۲ بر قدم او قدمی می‌کشید وز قلم او رقمی می‌کشید
○ کنایه - جناس	۳ عاقبت از خامی خود سوخته ره‌روی کبک نیاموخته
○ یارادوکس - واج‌آرایی	

قلمرو فکری

۱ معنی و مفهوم عبارت‌های زیر را به نثر روان بنویسید.

۱ ناکاه آن دیدند که چون آب نیرو کرده بود و کشتی پرشده، نشستن و دریدن گرفت.

۲ تا خویشتن را ضیعتکی حلال خردند و فراخ‌تر بتوانند زیست.

۳ نگوییم که مرا سخت دربايست نیست اما چون به آنچه دارم و اندک است قانعم، وزز و وبال این چه به‌کار آید؟

۴ آنچه دارم از اندک‌مايه حطام دنیا حلال است و کفایت است و به هیچ زیادت حاجتمند نیستم.

۵ آن نامه را بخواند و دوات خواست و توقیع کرد.

۲ با توجه به عبارت‌های زیر معنی قسمت‌های مشخص‌شده را از کمانک مقابل آن‌ها انتخاب کنید.

۱ تا صدقه‌ای که خواهیم کرد **حلال بی‌شبهت** باشد از این فرماییم. (مال بی‌شبهت / مال بی‌شک)

۲ گفت: زندگانی **خواجه عمید** دراز باد. (سرور و بزرگ / خواجه بونصر مشکان)

۳ از هر دستی مردم در کشتی‌های دیگر بودند و **کس را خیر نه** (کسی از اتفاق خیر نداشت / کسی از کشتی امیر خیر نداشت).

۴ در این دو سه روز **بار داده آید** که علت و تب تمامی زایل شد. (اجازه ملاقات می‌دهم / دستور انجام کارها را می‌دهم).

۳ با توجه به عبارت زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

بونصر گفت: ای سبحان‌الله، زری که سلطان محمود به غزو از بت‌خانه‌ها به شمشیر بیاورده باشد و بتان شکسته و پاره کرده و آن را امیرالمؤمنین می‌روا دارد ستدن، آن قاضی همی‌نستاند؟

۱ منظور از عبارت «ای سبحان‌الله» چیست؟

۲ چرا امیرالمؤمنین گرفتن آن زر را روا می‌داند؟

۳ منظور از شکستن و پاره کردن بت‌ها چیست؟

۴ بیت‌های زیر با پیام کلی درس «قاضی بست» چه ارتباطی دارند؟

چند مال شبهه‌ناک آری به کف / تا که یاشی نرم‌پوش و خوش‌علف
لقمه کآید از طریق مشتبه / خاک خور، خاک و بر آن دندان منه

۵ با توجه به عبارت زیر به سؤالات پاسخ دهید.

و این مرد بزرگ و دبیر کافی، به نشاط قلم در نهاد تا نزدیک نماز پیشین، از این مهمات فارغ شده بود و خیلانشان و سوار گسیل کرده، پس رفعتی نشست به امیر و هر چه کرده بود باز نمود.

۱ منظور از نماز پیشین، کدام نماز است؟

۲ منظور از دبیر کافی کیست و چه سمتی در دربار سلطان مسعود داشت؟

۳ فعل «باز نمود» در این عبارت چه تفاوت معنایی با کاربرد امروزی آن دارد؟

۴ منظور از «قلم در نهاد» چیست؟

۶ بیت‌های مرتبط با هر یک از عبارتها را در جدول به هم متصل کنید.

عبارات	ابیات
۱ نگویم که مرا سخت دریابست نیست اما چون به آنچه دارم و اندک است قانعم، وزر و وبال آن به چه کار آید؟	○ به دست بنده ز حل و ز عقد چیزی نیست خدای بنده کار و خدای بگشاید
۲ اما ایزد رحمت کرد پس از نمودن قدرت.	○ با قناعت ساز دایم ای پسر گرچه هیچ از فقر نبود تلخ‌تر
۳ من هم از آن حساب و توقف و پرسش قیامت بترسم که وی می‌ترسد.	○ خواهی که بی حساب به جنت تو را برند صائب، نفس شمرده زن و خود حساب باش

۷ درست و نادرست بودن توضیحات مربوط به هر گزینه را معلوم کنید.



۱ من به آغاجی خادم می‌دادم و خیرخیر جواب می‌آوردم («م» در «می آوردم» یعنی برایم می‌آورد)



۲ بزرگا مردا که شما دو تنید (ای بزرگ، شما دو تن، مرد واقعی هستید).



۳ کرد فرامش ره و رفتار خویش / ماند غرامت‌زده از کار خویش (منظور از «کار»، تقلید کردن است).

۸ معادل امروزی هر یک از افعال به کار رفته در جملات زیر را بنویسید.

۱ نامدها گسیل کرده شود. ۲ تو را امیر می‌بخواند.

۳ اگر وی را یک روز دیده بودمی، واجب کردی که در مدت عمر پیروی او کردمی.

۹ بیت «حساب خود این‌جا کن، آسوده‌دل شو / می‌فکن به روز جزا کار خود را» با مفهوم کدام عبارت تناسبی ندارد؟

۱ پذیرفتم و باز دادم که مرا به کار نیست و قیامت سخت نزدیک است، حساب این نتوانم داد. ○

۲ بر من پوشیده است که آن غزوها بر طریق سنت مصطفی هست یا نه. من این نپذیرم و در عهده آن نشوم. ○

۳ ما حق این نعمت تندرستی که باز یافتیم لختی گزارده باشیم. ○

۴ مرا چه افتاده است که زر کسی دیگر برد و شمار آن به قیامت مرا باید داد؟ به هیچ حال این عهده قبول نکنم. ○

۱۰ مفهوم قسمت مشخص شده در هر بیت را از میان مفاهیم زیر بیابید و مقابل هر بیت بنویسید (دو مفهوم اضافی است).

گل‌ها و گیاهان و زیبایی‌ها- ترک کردن و کنار گذاشتن- گام‌های موزون برداشتن- سریع و چابک بودن- نقل مکان کردن- زیان دیدن از نادانی- فراموشی راه و روش خود

۱ هم حرکاتش متناسب به هم هم خطواتش متقارب به هم

- ۴ دید یکی عرصه به دامان کوه
 ۳ باز کشید از روش خویش پای
 ۵ زاغی از آن جا که فراغی گزید
 ۴ عاقبت از خامی خود سوخته
 عرضه ده مخزن پنهان کوه
 در پی او کرد به تقلید جای
 رهروی کجک نیاموخته
 رخت خود از باغ به راغی کشید

۱۱ «زاغ» در ابیات زیر نماد چه کسانی است؟

زاغ چو دید آن ره و رفتار را
 بازکشید از روش خویش پای
 بر قدم او قدمی می‌کشید
 وان روش و جنبش هموار را
 در پی او کرد به تقلید جای
 وز قلم او رقمی می‌کشید

نماد انسان‌های:

۱۲ پیام مشترک بیت‌های زیر را بنویسید.

- ۱ از ره تقلید اگر حاصل شود کسب کمال
 ۲ عاقبت از خامی خود سوخته
 کرد فرامش ره و رفتار خویش
 هر که گردد خم‌نشین باید که افلاطون شود
 رهروی کجک نیاموخته
 ماند غرامت‌زده از کار خویش

پیام مشترک:

Handwriting practice area with multiple horizontal lines.



آزمون نوبت اول

بارم	سؤالات	ردیف
(الف) قلمرو زبانی (۷ نمره)		
۱	معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید. الف زَنخْدان فرو برد چندی به جیب: ب شبگیر امیرمسعود برنشست و به کران رود رفت: پ در حضرت کریم تمنّا چه حاجت است؟ ت بدان شمشیر تیز عاقبت‌سوز:	۱
۰.۵	روابط معنایی تضاد و تناسب را در بیت‌های زیر بیابید. الف اگر لطفش قرین حال گردد همه ادب‌ها اقبال گردد ب دانست که دل، اسیر دارد دردی نه دواپذیر دارد	۲
۱	املائی درست را از داخل کمانک انتخاب کنید. الف حق این نعمت تندرستی که بازیافتیم لختی (گزارده - گزارده) آید. ب باید جانب دوستی را نگاه داشته از کمک به یکدیگر (فروگزاری - فروگذاری) ننماییم.	۳
۰.۵	در هر یک از موارد زیر، کدام واژه از نظر املائی درست نیست؟ درست آن را بنویسید. الف مردان، بار به نیروی حمت و بازوی حمیت کشند نه به قوت تن:	۴
۰.۵	ب چون موسم حج رسید برخاست اشتر طلبید و محمل آراست	
۰.۵	جمله زیر را مجهول کنید. جلال‌الدین محمد، به اصرار مریدان و شاگردان پدر، مجالس درس و وعظ را به عهده گرفت.	۵
۰.۵	نقش دستوری هر یک از واژه‌های مشخص شده را تعیین کنید. بگیر ای جوان دست درویش پیر نه خود را بیفکن که دستم بگیر	۶
۰.۷۵	نوع ساختمان واژه‌های زیر را تعیین کنید. (ساده، وندی، مرکب و ...) دبستان: شاهکار:	۷

ردیف	سؤالات	بارم
۸	<p>در نوشته زیر:</p> <p>دگر بار، مریدان از تعطیل شدن مجالس درس به خشم آمدند و مولانا را دیوانه و شمس، پیر او را جادوگر خواندند.</p> <p>الف کدام ویژگی دستوری در متون کهن در عبارت دیده می‌شود؟</p> <p>ب یک نقش تبعی بیابید و آن را تعیین کنید.</p> <p>پ یک ترکیب اضافی بیابید.</p>	۰/۷۵
۹	<p>تعداد واج‌های کدام گزینه با واژه «آسایش» یکسان است؟</p> <p><input type="radio"/> ۱. درویشی <input type="radio"/> ۲. تمکن <input type="radio"/> ۳. استحکام <input type="radio"/> ۴. متمرکز</p>	۰/۲۵
۱۰	<p>واژه «موکد» را ابتدا به هجاهای سازنده تجزیه کنید سپس الگوهای آن را بنویسید.</p>	۰/۷۵
۱۱	<p>در نوشته زیر:</p> <p>شاهزاده نوجوان، میرزا عیسی قائم‌مقام را نه تنها وزیر خردمند بلکه پدر معنوی خود می‌دانست.</p> <p>الف کدام واژه شاخص است؟</p> <p>ب هسته گروه اسمی «پدر معنوی خود» را مشخص کنید.</p>	۰/۵
(ب) قلمرو ادبی (۵ نمره)		
۱۲	<p>در بیت «در آن سیماب‌گون امواج لرزان خیال تازه‌ای در خواب می‌دید»، مشبّه و مشبّه‌به را مشخص کنید.</p>	۰/۵
۱۳	<p>در بیت زیر، استعاره را مشخص کنید و آن را بررسی نمایید.</p> <p>سرنشتر عشق بر رگ روح زدند یک قطره فرو چکید و نامش دل شد</p>	۰/۵
۱۴	<p>کدام آرایه ادبی باعث زیبایی و خوش‌آهنگی بیت زیر شده است؟</p> <p>چند کنم تو را طلب خانه‌به‌خانه دربه‌در چند گریزی از برم گوشه‌به‌گوشه کوبه‌کو</p>	۰/۲۵
۱۵	<p>آرایه‌های «تضاد» و «متناقض‌نما» را در بیت‌های زیر بیابید.</p> <p>الف کنار نام تو لنگر گرفت کشتی عشق بیا که یاد تو آرامشی است طوفانی</p> <p>ب مجنون چو حدیث عشق بشنید اول بگریست پس بخندید</p>	۰/۵

آزمون نوبت دوم

ردیف	سوالات	بازم
(الف) قلمرو زبانی (۷ نمره)		
۱	<p>برای هریک از واژه‌های زیر، از مصراع‌های داده‌شده یک برابر معنایی مناسب بیابید.</p> <p>الف چون رایت عشق آن جهانگیر ب یلی که سینۀ ظلمت دریده می‌آید</p> <p>پ بیاورد ضحاک را چون نوند ت بدرید و بسپرد محضر به پای</p> <p>کمیت: _____ بیرق: _____ استشهاده‌نامه: _____ گرد: _____</p>	۱
۲	<p>هر یک از واژه‌های زیر، با کدام واژهٔ مقابل خود رابطهٔ معنایی تضمّن ندارد؟</p> <p>الف متصدّد: (شکاری، طاووس، زاغ، مرغزار) ب سمند: (زین، لگام، سم، ابرش) <input type="radio"/></p>	۰/۵
۳	<p>در نوشتهٔ زیر، چه بخشی حذف شده است؟</p> <p>کیوتران اضطرابی می‌کردند و هر یک خود را می‌کوشید.</p> <p>_____</p>	۰/۲۵
۴	<p>در هر یک از موارد زیر، کدام واژه از نظر املائی درست نیست؟ درست آن را بنویسید.</p> <p>الف شهر، عرصهٔ محشر را به خاطر می‌آورد؛ گنجه با واپسین رمق‌هایش نفس می‌کشید. دیری نگذشت پرچم روس‌ها به احتزاز درآمد. <input type="radio"/></p> <p>ب ملائکهٔ مقرب، هیچ‌کس آدم را نمی‌شناختند تا ابلیس پرتلیس، گرد غالب آدم درآمد. <input type="radio"/></p>	۰/۵
۵	<p>املای درست را از داخل کمانک انتخاب کنید.</p> <p>الف بزن زخم این (مرحم - مرهم) عاشق است. _____</p> <p>ب حالی (ثواب - صواب) آن باشد که قوتی کنید تا دام از جای بگیریم. _____</p>	۰/۵
۶	<p>جملهٔ مجهول زیر را معلوم کنید.</p> <p>درهای تازه‌ای به روی ما گشوده شده است. (نهاد: نبرد با دشمن)</p> <p>_____</p>	۰/۵
۷	<p>در بیت زیر برای هریک از فرایندهای واجی «افزایش» و «کاهش» نمونه‌ای بیابید و مشخص کنید.</p> <p>برافروخت پس دست خیرگشا پی سربریدن بیفشرد پا</p> <p>_____</p>	۰/۵
۸	<p>در نوشتهٔ «دایی جان میرزا غلام‌رضا که در تجدّد افراط داشت، اولین مرد عینکی بود که دیده بودم.»:</p> <p>الف زمان فعل آخر را تعیین کنید.</p> <p>ب نقش دستوری واژهٔ «میرزا» چیست؟</p> <p>پ نوع وابستهٔ پسین را در گروه اسمی «اولین مرد عینکی» مشخص نمایید.</p>	۰/۷۵
۹	<p>نوع ساختمان واژه‌های مشخص‌شده را در عبارت زیر تعیین کنید. (ساده، وندی، مرکب و ...)</p> <p>_____ ریاضی‌دان: _____ قلمدان: _____</p>	۰/۷۵

ردیف	سوالات	بازم
۱۰	تعداد واج‌های کدام گزینه با واژه «اعتبار» یکسان است؟ <input type="radio"/> (۱) درویشی <input type="radio"/> (۲) تمکن <input type="radio"/> (۳) استحکام <input type="radio"/> (۴) متمرکز	۰/۲۵
۱۱	با توجه به بیت «طلوع برکه خورشید تابناک دل است / ستاره‌ای که ز آفاق دیده می‌آید» الف یک ترکیب وصفی بیابید. ب یک واج میانجی مشخص کنید. پ نهاد مصراع اول را تعیین کنید.	۰/۷۵
۱۲	واژه کدام گزینه طبق الگوی «بن مضارع + وند + بن مضارع ← اسم وندی - مرکب» است؟ <input type="radio"/> (۱) ساخت‌وساز <input type="radio"/> (۲) جنب‌وجوش <input type="radio"/> (۳) کشت‌وکشتار <input type="radio"/> (۴) زهاورد	۰/۲۵
(ب) قلمرو ادبی (۵ نمره)		
۱۴	در سروده زیر، بخش مشخص شده بیانگر کدام آرایه ادبی است؟ دلیل خود را بنویسید. بیداری زمان را با من بخوان به فریاد / وز مرد خواب و خفتی / «رو سر بنه به بالین تنها مرا رها کن» شفیه تکتلی	۰/۵
۱۵	در بیت «آمد سوی کعبه سینه پر جوش / چون کعبه نهاد حلقه در گوش» شاعر چگونه از تشبیه برای خلق کنایه بهره برده است؟	۰/۵
۱۶	در بیت «چو کاوه برون شد ز درگاه شاه / بر او انجمن گشت بازارگاه»، «بازارگاه» مجاز از چیست؟	۰/۲۵
۱۷	هر یک از آرایه‌های پارادوکس، حسن تعلیل و کنایه را در کدام یک از بیت‌های زیر می‌یابید؟ (یک مورد اضافه است). الف ای کعبه به داغ ماتمت نیلی پوش وز تشنگی‌ات فرات در جوش و خروش ب بیفشرد چون کوه پا بر زمین بخایید دندان به دندان کین پ سرنشتر عشق بر رگ روح زدند یک قطره فروچکید و نامش دل شد ت هرگز وجود حاضر غایب شنیده‌ای من در میان جمع و دلم جای دیگر است	۰/۷۵
۱۸	مصراع دیگر هر یک از بیت‌های زیر را بنویسید. گذشتن ز جان رسم مردانگی است ب گفתי ز ناز بیش مرنجان مرا برو پ مرا اوج عزت در افلاک توست ت دف عشق با دست خون می‌زنند	۲